

ادب فارسی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱، پیاپی ۲۹



10.22059/jpl.2022.336990.2017

Print ISSN: 2251-9262//Online ISSN: 2676-4113

<https://jpl.ut.ac.ir/>

Ancient Survey of the Hero's Travel Pattern in Khavaran-Nameh Based on Joseph Campbell's Theory

Mohamad Mojavezy

Asistant Professor of Persian Language and Literature, zabol University, zabol, Iran

(P 99-120)

Received: 9 January 2022; Accepted: 15 June 2022

Abstract

Ibn Hassam Khosfi's Khavaran-Nameh is a verse in the form of religious epic, with the theme of fictional tales and wars of Ali (AS) with kings of idolatry such as Tahmasshah, Salasul Shah, and embraces ancient concepts. Patterns of hero and travel, due to its nature is one of the most used motifs. This study, through descriptive-analytic method, seeks to review Joseph Campbell's proposal for the heroic journey and also its amount of appliance in the Middle East. Campbell considers life as a journey that the hero must take on this journey, while awaring of his strengths and In addition, by identifying his inner desires and secrets and his strengths and weaknesses, he should conduct individua's ethical issues. The three main themes of the hero's travel theory are: departure, approach, and return. This theory is in harmony with the epic hero's life. Because the hero of each epic should encounter somke delimas, he should face the most terrible paths ,the most awesome creatures and the most dangerous enemies; however, with all his courage, he can go through all the difficult passages and achieve his goal. The is a religious one. The results of the study indicated that in Khavaran-Nameh Ali (AS) began a long journey to save human beings from evil forces. In this journey, How fought with the Dragon and the Wizardand ultimately he eliminated them. Ali (AS), with his inner voice, addresses the Prophet's worry, he could obviate the obstacles and problems that each hero goes through to complete their achievement and excellence. after the unity and godliness, the victorious and glorious man returns to Medina and delievers Solomon's souvenior to the Prophet. The results of the study also indicated that the internal stages, transcendental help, crossing the threshold, whale abdomen, test path, woman in the role of tempter, blessings and free and free stage in Khavarannameh conforms to the stages of Campbell's journey and heroism, and the omission of some stages is due to the religious nature of this epic effect.

Keywords: Anceient Pattern of Travel, Joseph Campbell, Religious Epic, Khavaran-Nameh, Ibn Hassam.

کهن‌الگوی سفر قهرمان در خاوران‌نامه بر اساس نظریه جوزف کمپیل

محمد مجوزی*

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل، زابل، ایران

(از ص ۹۹ تا ۱۲۰)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۱۹، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۳/۲۵

علمی-پژوهشی

چکیده

خاوران‌نامه ابن حَسَّام خوسفی، مثنوی‌ای در قالب حماسه دینی است، با موضوع داستان‌های خیالی از سفرها و جنگ‌های حضرت علی^ع با شاهان بت‌پرستی چون تهماس شاه و صلصال‌شاه که دربرگیرنده مفاهیم کهن‌الگویی فراوان است. کهن‌الگوی قهرمان و سفر، بنا به سرشت حماسه، از پرکاربردترین بن‌مایه‌های آن است. این پژوهش درصدد است تا به روش توصیفی-تحلیلی، الگوی پیشنهادی جوزف کمپیل را با عنوان سفر قهرمان، در خاوران‌نامه بررسی و میزان انطباق آن را با مثنوی خاوران‌نامه مشخص کند. سه‌بخش اصلی نظریه سفر قهرمان عبارت‌اند از: عزیمت (جدایی)، رهیافت (تشرّف) و بازگشت. این نظریه با زندگی قهرمان حماسه همخوانی دارد؛ زیرا قهرمان هر حماسه‌ای برای رسیدن به مقصود خویش، راه‌های سختی را طی می‌کند. او در سفر خود با وحشتناک‌ترین مسیرها و شگفت‌ترین موجودات و خطرناک‌ترین دشمنان مواجه می‌شود؛ اما با شجاعت تمام می‌تواند تمام گذرگاه‌های سخت را پشت سر گذارد و به هدف خویش نایل شود. سفر قهرمان در خاوران‌نامه، سفری دینی است. حضرت علی^ع برای نجات انسان‌ها از نیروهای پلید، سفری طولانی را آغاز می‌کند. در این سفر با دیوان، اژدها و جادوگران به جنگ می‌پردازد و سرانجام بر تمام بدی‌ها فایق می‌آید. علی^ع با ندای درونی خود، برای رفع نگرانی پیامبر^ص پا در مسیر پرخطر می‌گذارد و به کمک یاریگران می‌تواند چهارده‌خوان را به خوبی پشت سر بگذارد. خوان‌ها، نماد موانع و مشکلاتی است که قهرمان برای به‌کمال‌رسیدن خود و احراز برتری و شایستگی خویش پشت سر می‌گذارد و بعد از یگانگی و خدای‌گون‌شدن، پیروز و سرافراز به مدینه بازمی‌گردد و تحفه سلیمان را برای پیامبر به ارمغان می‌آورد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مراحل ندای درونی، کمک از ماوراء، عبور از آستان، شکم‌نهنگ، جاده آزمون‌ها، زن در نقش وسوسه‌گر، برکت نهایی و مرحله آزاد و رها در خاوران‌نامه با مراحل سفر قهرمان کمپیل انطباق دارد و حذف برخی مراحل به دلیل ماهیت دینی این اثر حماسی است.

واژه‌های کلیدی: کهن‌الگو، سفر قهرمان، نظریه کمپیل، حماسه دینی، خاوران‌نامه، ابن حَسَّام خوسفی.

۱. مقدمه

نقد کهن‌الگویی از رویکردهای جدید ادبی است که براساس آرای روان‌شناس معروف سوئیسی، کارل گوستاو یونگ بنا شده است. در این نوع نقد به مطالعه و بررسی کهن‌الگوهای اثر می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه ذهن شاعر و نویسنده، این کهن‌الگوها را که محصول تجربه‌های بشری است و در ضمیر ناخودآگاه جمعی به ودیعه گذاشته شده، به شیوه‌ای نمادین و تمثیلی به نمایش گذاشته است. کهن‌الگوها دامنه وسیعی دارند و بعضی از آنها در ادبیات اساطیری اهمیت بسیار اساسی دارند. یکی از کهن‌الگوهای مهم، قهرمان و سفر نمادین اوست که همواره محور اصلی مباحث اسطوره‌ای بوده است و سایر کهن‌الگوهای روان‌شناختی از جمله آنیما، پیر خردمند، سایه و ... با او و در جریان تکامل شخصیت وی نمود می‌یابند (وولگر، ۱۳۸۷: ۵۹). «نمادگرایی سفر بسیار غنی است و اغلب جست‌وجوی حقیقت، آرامش و جاودانگی، جست‌وجو و کشف یک مرکز معنوی، معنا می‌دهد» (شوالیه، ۱۳۸۲: ۵۸۳). شناخت کهن‌الگوی قهرمان می‌تواند راهنمای مناسبی برای دریافت و تحلیل نظریه تک‌اسطوره کمپبل به دست دهد. در ۱۹۴۵م، جوزف کمپبل (۱۹۸۷-۱۹۰۴م) با مطالعه درباره شخصیت قهرمان داستان‌های حماسی و اسطوره‌ای ملل مختلف، به این نکته دست یافت که این داستان‌ها با وجود تفاوت‌های مختصر، شباهت‌های ساختاری فراوانی در شکل روایت داستان‌ها با یکدیگر دارند؛ به عبارتی دیگر، در هر داستان، کهن‌الگویی از سفر قهرمان وجود دارد که بنا به نیازهای هر داستان می‌توان مراحل سفر را حذف یا تکرار کرد (ویتلا، ۱۳۹۰: ۹). با توجه به حماسی بودن خاوران‌نامه، می‌توان گفت عنصر قهرمان و سفر، از بن‌مایه‌های مهم و اصلی آن است؛ از این‌رو، با توجه به اهمیت این دو عنصر در حماسه، در این پژوهش تلاش شده است تا کهن‌الگوی سفر قهرمان در حماسه دینی خاوران‌نامه بررسی شود.

خاوران‌نامه حماسه‌ای دینی است که در آن، افسانه‌ها و داستان‌های خیالی سفرها و جنگ‌ها و دلاوری‌های علی بن ابیطالب در سرزمین خاوران با شاهان بت‌پرستی چون قباد، تهماسب شاه و صلصال‌شاه و سپاه دیوان و اژدها در قالب مثنوی به تصویر کشیده شده است.

درباره خاوران‌نامه پژوهش‌هایی انجام شده است؛ از جمله قنبری (۱۳۸۶) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی بلاغی و زبانی علی‌نامه با خاوران‌نامه ابن حسام، حمله حیدری ابن باذل و حمله حیدری راجی کرمانی» به این نتیجه دست یافته است که سراینندگان چهار منظومه حماسی دینی از همه عناصر و اجزای داستانی و حماسی در بافت تاریخی استفاده کرده‌اند و حاصل را با جاذبه‌های مختلف آراسته‌اند تا تأثیر آن افزون شود. حق‌شناس (۱۳۹۰) در کتابی با عنوان داستان داستان‌ها (تألی بر خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی) به مقایسه خاوران‌نامه با شاهنامه پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که ابن حسام از استاد توس پیروی کرده و از اندیشه و اشعار او در نظم خاوران‌نامه بهره برده است. بهمدی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی پیوند حماسه و دین در خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی» به این نتیجه دست یافته است که ابن حسام در خاوران‌نامه فضای حماسی و

دینی را در هم آمیخته و از طریق بیان حماسی زندگی بزرگان دینی، لطایف قرآنی، احادیث و اخبار مذهبی را به رشته نظم درآورده است. مجوزی و نوری (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «ریخت‌شناسی خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی» به این نتیجه دست یافته‌اند که در خاوران‌نامه علاوه بر کارکردهای پیشنهادی پراپ، کارکردهای خاص حماسه‌های دینی نیز موجود است. بیگزاده و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «شخصیت علی‌ع در خاوران‌نامه بر اساس نظریه فلیپ هامون»، معتقد است که کنش‌های گفتاری در خاوران‌نامه، دو سطح از شخصیت علی‌ع را نشان می‌دهد: در گفت‌وگو با مردم، وی شخصیتی بی‌نیاز و توانمند ترسیم شده است؛ اما در گفت‌وگوهایی که بین او و خداوند صورت می‌گیرد، شخصیتی نیازمند و ناتوان به تصویر کشیده شده است.

پیرعین‌الدین و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «بن‌مایه‌های حماسی در خاوران‌نامه»، به این نتیجه دست یافته‌اند که ابن حسام با بهره‌گیری از بن‌مایه‌های حماسی نظیر سفر قهرمان، خواب و رویا، کتمان نام، پیشگویی، جادو و جادوگران، اژدها و اژدهاکشی و ... باعث ارتقای هنری و تأثیربخشی و برجستگی اثر خویش شده است.

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای، سفر قهرمان را در خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی بر اساس نظریه جوزف کمپبل بررسی می‌کند و مراحل سفر قهرمان را در این حماسه دینی، مورد تحلیل و تطبیق قرار می‌دهد تا به این پرسش پاسخ دهد که خاوران‌نامه ابن حسام تا چه اندازه با الگوی سفر قهرمان جوزف کمپبل قابل تطبیق است و با توجه به ماهیت دینی این اثر حماسی، چه تفاوت‌هایی با این الگو دارد؟

۲. نظریه کهن‌الگوی سفر قهرمان

کارل گوستاو یونگ، روان‌شناس مشهور قرن بیستم، اولین کسی است که اصطلاح «کهن‌الگو» را به کار برده است. از نظر او در روان هر شخص، دو نوع ناخودآگاه وجود دارد: فردی و جمعی. ناخودآگاه فردی افراد، به ناخودآگاه جمعی آنها متکی است که در حقیقت فطری است. این قسمت از روان همگانی شامل محتویاتی است که در همه جا و همه کس یکسان بروز می‌کند. محتویات این ناخودآگاه را «آرکی‌تایپ» می‌نامند. واژه آرکی‌تایپ در فارسی، کهن‌الگو، نمونه ازل، صورت اساطیری و صورت ازل ترجمه شده است.

به عقیده یونگ، کهن‌الگوها، افکار غریزی و مادرزادی و تمایل به رفتارهایی است که انسان ناخودآگاه انجام می‌دهد؛ به عبارت دیگر، کهن‌الگو به تصاویری می‌گویند که بر اثر تجربیات مکرر قدیمی به ضمیر ناخودآگاه بشر راه یافته است. کهن‌الگوهای موجود در ضمیر ناخودآگاه جمعی همچون سایه به نظر می‌رسند؛ زیرا از زندگی فرد مایه نگرفته‌اند. کهن‌الگوها اسطوره‌هایی پدید می‌آورند که بر ملت‌ها و تمامی ادوار تأثیر می‌گذارند (یونگ، ۱۳۸۶: ۱۱۱-۱۱۲). «کهن‌الگوها،

معرف کارکرد یا نقشی هستند که شخصیت‌ها در یک داستان ایفا می‌کنند. کهن‌الگو، نقاب‌ی است که یک شخصیت در صحنه‌ای خاص به چهره می‌زند» (ویتلا، ۱۳۹۰: ۱۷).

از نظر یونگ، کار اصلی کهن‌الگوی قهرمان، کشف خودآگاه و خویشتن فرد است؛ یعنی آگاهی به ضعف‌ها و توانایی‌های خودش، به گونه‌ای که بتواند با مشکلات زندگی روبه‌رو شود. به محض اینکه فرد توانست آزمایش اولیه را پشت سر بگذارد و وارد مرحله پختگی شود، مرگ نمادین قهرمان فرامی‌رسد. گویی مرگ نمادین قهرمان، سرآغاز پختگی اوست (یونگ، ۱۳۸۶: ۱۶۴). کمپیل، متأثر از یونگ، نظریه «تک‌اسطوره»ی خود را مطرح کرد. این نظریه به این معناست که همه اسطوره‌ها از اشکال واحد کهن‌الگوها تبعیت می‌کنند؛ به عبارت دیگر، بر اساس این نظریه، تمام اسطوره‌های جهان در اصل، یک داستان واحد را بیان می‌کنند که این داستان‌ها و ویرایش گوناگونی از آن هستند. عناصر اسطوره‌ای به دلیل طبیعت انسانی و تجربه‌های کمابیش مشابه میان انسان‌ها و تمدن آنها، اشتراکات و شباهت‌های فراوانی دارند (نامورمطلق، ۱۳۹۲: ۲۰۱). نظریه سفر قهرمان جوزف کمپیل، شامل سه مرحله است: مرحله اول: عزیمت که شامل ۱. دعوت به آغاز سفر، ۲. رد دعوت، ۳. امدادغیبی، ۴. عبور از نخستین آستانه و ۵. شکم‌نهنگ است؛ مرحله دوم: آیین تشرّف شامل مراحل ۱. جاده آزمون‌ها، ۲. ملاقات با خدایان، ۳. زن در نقش وسوسه‌گر، ۴. آشتی و یگانگی با پدر، ۵. خدایگان و ۶. برکت نهایی؛ مرحله سوم: بازگشت که ۱. امتناع از بازگشت، ۲. فرار جادویی، ۳. دست نجات از خارج، ۴. عبور از آستان بازگشت، ۵. ارباب دو جهان و ۶. آزاد و رها در زندگی را شامل می‌شود (کمپیل، ۱۳۹۲: ۴۵-۴۶).

۳. قهرمان

قهرمان، شخصیت مرکزی اسطوره‌ها و آثار حماسی، به ویژه آثار حماسی کهن و نیز بسیاری از رمان‌های عامه‌پسند است. قهرمان سنتی، واجد ویژگی‌های تحسین‌برانگیزی همچون پایبندی به اخلاق والا، رشادت، وظیفه‌شناسی، از خودگذشتگی، میهن‌دوستی، گذشت و پایمردی است. قهرمان، نماینده یک قوم برای رسیدن به آرمان‌ها به شمار می‌آید. او باید متفاوت باشد تا بتواند این مسیر پرخطر را طی کند. همه اساطیر بر این توافق دارند که قهرمان باید قابلیت فوق‌العاده داشته باشد (پاشایی مهترلو و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۶۲). ووگلر معتقد است: «قهرمان یعنی کسی که آماده است نیازهای خود را فدای دیگران کند. مفهوم قهرمان، مرتبط با مفهوم ایثار است» (۱۳۸۷: ۵۹). کمپیل معتقد است قهرمان مرد یا زنی است که توانایی غلبه بر محدودیت‌های شخصی یا بومی را دارد و با عبور از آنها، به شخصیتی عمومی و انسانی دست می‌یابد. از نظر کمپیل، قهرمان، انسانی است متعلق به تمام جهان و وظیفه مهم او، بازگشت مجدد به جامعه است با هیئتی جدید و انتقال تجربیاتی که از این حیات دوباره به دست می‌آورد (کمپیل، ۱۳۸۹: ۳۰-۳۱).

۴. جوزف کمپبل

جوزف کمپبل (۱۹۰۴-۱۹۸۷م) در نیویورک آمریکا به دنیا آمد و در همین شهر، تحصیلات خود را آغاز کرد. او در ابتدا در دانشگاه دارتموت، بیولوژی و ریاضی خواند و سپس برای مطالعه علوم انسانی به دانشگاه کلمبیا رفت و پس از گرفتن لیسانس در رشته ادبیات انگلیسی، کارشناسی ارشد خود را در رشته ادبیات تطبیقی قرون وسطا در ۱۹۲۷ به پایان رساند. او به دلایلی از ادامه دکتری انصراف داد، در عوض به مدت پنج سال به دور از دنیای شهر، در طبیعت اطراف نیویورک به تأملات و مطالعات جدیدی دست زد؛ آن گونه که در این دوران توانست طرح و اندیشه‌اش را درباره تحقیقات آینده خود، به طور کلی شکل دهد (نامور مطلق، ۱۳۹۲: ۱۹۰).

کمپبل سفرهایی به فرانسه و آلمان داشت و به مطالعه زبان‌های سانکسريت و فرانسوی قدیم، آلمانی، ژاپنی و همچنین روان‌شناسی یونگی پرداخت. شناختی که کمپبل از روان‌شناسی به دست آورد، باعث شد که وی با رویکردی روان‌شناسانه، به مطالعات اسطوره‌ای بپردازد.

۵. حماسه‌های دینی و خاوران‌نامه

حماسه‌های دینی بیشتر به زندگی ائمه و پیشوایان نظر دارد. در این نوع حماسه‌ها، وقایع تاریخی و مطالب داستانی با اعتقاد و ایمان درهم می‌آمیزد و داستان‌های دل‌نشین آفریده می‌شود. بخشی از افسانه‌ها هم به اولیاء و شخصیت‌های تاریخی و ماجراهای باورنکردنی در زندگی آنها اختصاص دارد و بیشتر نشئت گرفته از ایمان و اعتقاد ساده و صمیمی راویان آنهاست و نمودار واقعیت‌ها و بازتاب آرمان‌ها و آرزوهای توده مردم باورمند است. این افسانه‌ها، نوعی حماسه‌اند و مثل حماسه از تخیل و احساس بهره گرفته‌اند. اصطلاح «حماسه دینی» را نخستین بار ذبیح‌الله صفا در ادب فارسی به کار برده است. وی معتقد است موضوع حماسه تاریخی می‌تواند زندگی یک یا چندتن از قهرمانان دینی باشد که ممکن است بر اساس حقایق تاریخی یا ادغام وقایع تاریخی و مطالب داستانی به وجود آمده باشد و به دلیل برخورداری از بسیاری ویژگی‌های منظومه‌های حماسی، جزو آثار ملی به شمار می‌آیند. او این گونه منظومه‌های حماسی را که در زبان فارسی نمونه‌های بسیاری از آن وجود دارد، مانند خاوران‌نامه ابن حسام و حمله حیدری باذل، منظومه حماسی دینی می‌نامد (صفا، ۱۳۸۷: ۲۸).

خاوران‌نامه، از قدیمی‌ترین منظومه‌های حماسی دینی در ادب فارسی است که در نوع خود کم‌نظیر و به لحاظ سبک و ارزش شعری از مقام ممتازی برخوردار است. این منظومه، در بحر متقارب سروده شده است. ابیات آن حدود ۲۲ هزار و ۵۰۰ بیت درباره جنگ‌های حضرت علی ع و یاران آن حضرت با امرای بت‌پرست برای اشاعه اسلام و برانداختن کفر در خاورزمین است.

سراینده خاوران‌نامه اظهار می‌دارد که اصل آن عربی بوده و در سال ۸۳۰ ق، نظم آن را به پایان

رسانده است:

چو بر سال هشتصد بیفزود سی شد این نامه تازیان پارسی
(خوسنی، ۱۳۸۶: ۵۵۲)

به گفته محققان، آخرین تقلید مهم و ارزشمندی است که از شاهنامه فردوسی شده و ابن
حسام نیز با خرسندی به آن اشاره کرده است:

بهاری چو باغ ارم تازه بوی چو فردوس فردوسی از رنگ و بوی
(همان: ۵۵۲)

منظومه حماسی ابن حسام، بیشتر به نام *خاورنامه* معروف است؛ ولی خود شاعر آن را
خاوران نامه نامیده است:

مر این نامه را خاوران نامه نام نهادم که در خاوران شد تمام
(همان: ۵۵۳)

۶. بررسی کهن‌الگوی سفر قهرمان در *خاوران نامه*

قهرمان اصلی در *خاوران نامه*، حضرت علی^ع است. علی^ع در تاریخ، فردی دلیر و دادگر شناخته شده است:

اولین نامی که بر او نهاده شد، حیدر بود که یکی از نام‌های شیر است، هنگام ولادت بود که مادرش این نام را برگزید؛ زیرا در چهره فرزندش، پیشاپیش، نیرو، صلابت و فتوت شیر مردانه‌ای خواند؛ زیرا نوزاد، دارای اسکلتی نیرومند، استخوان‌بندی سخت‌محکم و دارای پنجه قوی بود و شایستگی آن را داشت که در نبرد و قدرت و تحمل، مانند شیر باشد (صدر، ۱۳۸۷: ۳۷).

۶-۱. مرحله اول: عزیمت

۶-۱-۱. ندای فراخوان

نخستین مرحله سفر اسطوره‌ای قهرمان، «ندای پیک» یا دعوت به سفر نامیده می‌شود. در این مرحله، دست تقدیر، قهرمان را به خود می‌خواند و او را از بطن جامعه به سرزمینی ناشناخته متوجه می‌کند. این سرزمین ناشناخته، سرشار از خطرهاست. این ندا، زمینه‌ساز آغاز مرحله سفر است و می‌توان آن را «آوای مخاطره» هم نامید؛ زیرا دست تقدیر، قهرمان را به مبارزه فراخوانده است و نیرو و جاذبه‌ای معنوی، او را از موطنش به سرزمینی ناشناخته منتقل می‌کند؛ جایگاهی که افتخار و خطر در آن هم‌آغوش هم هستند و قهرمان را به نبرد فرامی‌خوانند (کمپیل، ۱۳۸۹: ۱۸). دعوت به سفر، قهرمان را بر آن می‌دارد تا در نقش منجی، سفری مخاطره‌آمیز را آغاز کند. این دعوت را اغلب کهن‌الگوی منادی ابلاغ می‌کند. شخصی که کارکرد منادی را دارد، ممکن است مثبت یا منفی و یا خنثی باشد. کار منادی این است که با طرح دعوت یا چالش برای رویارویی با ناشناخته‌ها، داستان را به حرکت درآورد (ووگلر، ۱۳۸۷: ۱۳۱). در *خاوران نامه*، پیامبر^ص نقش منادی را ایفا می‌کند. حضرت علی^ع قهرمانی است دلیر، جنگاور و شکست‌ناپذیر و در جنگ‌های بزرگ این

حماسه، حضوری فعال دارد؛ به طوری که به حق می‌توان خاوران‌نامه را داستان رشادت‌های آن حضرت نامید. این جنگجوی دلیر، بر همه موانع اعم از دیو، اژدها، طلسم، جادو، سپاهیان گران، پهلوانان بزرگ و ... غلبه می‌کند و همیشه پیروز از میدان بیرون می‌آید. پهلوانان و جنگاوران مقابل او، همه سترگ و تسخیرناپذیرند؛ با این حال، آن حضرت بر همه آنان چیره می‌شود. وی هرگز اشتباه نمی‌کند و در دام دشمن اسیر نمی‌شود. علاوه بر قدرت بدنی، از جهت تفکر، تعقل، هوش و سیاستی که بایسته کارزار است، از همگان برتر است و به راحتی سپاه دشمن را به بازی می‌گیرد. اظهار اندوه پیامبر از اتّفاقی که برای دوتن از پهلوانان اسلام پیش آمده است، به نوعی دعوت از علی^ع برای رفتن به این سفر و آزادکردن این پهلوانان است که با ندای درونی و وجدان بیدار آن حضرت همراه می‌شود. زمانی که آن حضرت، نگرانی پیامبر^ص را از جدایی دو گُرد نام‌آور (ابوالمحجن و سعد وقاص) از جرگه اصحاب متوجه می‌شود، داوطلبانه همراه قنبر به دنبال آن‌ها به راه می‌افتد:

غمی شد پیمبر ز کار عمر	به اندیشه لختی بیچید سر
برون شد پرانده و تیماردل	ز بیزاران پسر آزاردل
همان آگهی شد به حیدر نخست	که آخر چه رفت و چه بود از نخست
پراندیشه شد حیدر نامدار	ز ابوالمحجن آن گُرد خنجرگذار
بگفت از فرستم کسی را ز پس	همانا نیاید به گفتار کس
مرا خود همی بست باید میان	از این پیش کاید بدو برزبان

(خوسفی، ۱۳۸۶: ۸۵)

گویی علی^ع قرارگرفتن در این وضعیت را زمانی مناسب برای تحقق اهداف الهی و نابودی کفار می‌داند. او قدم در مسیری ناشناخته می‌گذارد؛ اما در این راه تنها نیست و همواره یاریگرانی وی را به سمت هدف رهنمون می‌سازند. طبق نظریه کمپبل، قهرمان باید با ندای فردی پا در مسیر سفر بگذارد؛ اما علی^ع داوطلبانه قدم در این مسیر گذاشته و دعوت‌کننده او ندای درونی است که با پذیرش قهرمان همراه می‌شود.

۶-۱-۲. کمک از ماورا

در این مرحله، امدادگر و محافظی مهربان، اطمینان‌خاطر و نوید آرامشی بهستی را در آینده، به قهرمان می‌دهد. کمپبل معتقد است کسانی که دعوت امدادگر را می‌پذیرند، در گام نخست سفر با فردی حمایت‌کننده روبه‌رو می‌شوند که به صورت پیرزنی زشت یا پیرمردی نمایان می‌شود و طلسمی به قهرمان می‌دهد که در مقابل نیروهای هیولایی به او کمک می‌کند (کمپبل، ۱۳۸۹: ۷۵). اگرچه قهرمان در گذر از مراحل مختلف سفر در ظاهر به خطر می‌افتد، اما نیروی حمایت‌گر حاضر است و در پشت نیروهای ناشناس پنهان شده است. باید او را شناخت و به او اطمینان کرد، آن‌گاه حامی ازلی ظاهر خواهد شد. قهرمان در این مرحله، کسی است که به ندای درون خود پاسخ داده،

هم‌زمان با آشکارشدن نتایج آن، با شجاعت راه خود را ادامه می‌دهد و تمام نیروهای ناخودآگاه را با خود همراه و یاور می‌بیند (همان: ۷۸). در خاوران‌نامه، یاریگران بسیاری قهرمان را برای نیل به هدف یاری می‌دهند. باورهای دینی در خاوران‌نامه نقش مهم و می‌توان گفت فراتر از یک شیوه‌دستیابی به عامل ماورایی و جادویی دارند؛ به بیان دیگر، باورهای دینی که در این کتاب در قالب خویش‌کاری دینی و اشخاص دینی نمود یافته‌اند، به‌گونه‌ای نقش یاریگر را برای قهرمان بازی می‌کنند که عبارت‌اند از: ۱. مناجات، راز و نیاز و دعا؛ ۲. سروش از عالم‌غیب؛ ۳. پیرمردی طولانی‌عمر که معاصر حضرت موسی بوده است؛ ۴. شخصیت‌های دینی خضر و پیامبر؛ ۵. خواندن آیت ستر؛ ۶. انسان‌های عادی؛ ۷. موی آدم؛ ۸. درقه حمزه؛ ۹. لباس حضرت محمد ص که خاصیت شفابخشی داشت؛ ۱۰. جبرئیل؛ ۱۱. هاتف؛ ۱۲. معجزه؛ ۱۳. وحی؛ ۱۴. استفاده از ابزار و سلاح نمادین.

در آغاز سفر، حضرت علی^ع قنبر را به همراهی خود فرامی‌خواند:

بر قنبر آمد پزانده و تاب	فرارفت و بیدار کردش ز خواب
بدو گفت که امشب شب رفتن است	نه هنگام آسایش و خفتن است

(خوسفی، ۱۳۸۶: ۸۷)

سروشی از عالم‌غیب همواره علی^ع را یاری می‌رساند و راهنمایی می‌کند. سروش (Seraosha) در اینجا پیک خداوند است و میان آسمان و زمین در آمدو شد است و همواره در خواب و بیداری فریادرس نیکان است و راه و چاره را به ایشان باز می‌نماید. هاتف در خاوران‌نامه، همان سروش است که از طرف خداوند یاریگر امام علی^ع است و هر جا به سختی می‌افتد و از خداوند طلب یاری می‌کند، هاتف به یاری او می‌شتابد. هنگامی که حضرت علی^ع از یافتن قنبر ناامید می‌شود و از خداوند یاری می‌خواهد، هاتف او را راهنمایی می‌کند و از غم نجات می‌بخشد:

یکی هاتف آواز داد از نهفت	سخن‌های رفته بر او بازگفت
که قنبر اسیر آمد و خوار گشت	به چنگال دشمن گرفتار گشت
کنون می‌برندش به خاورزمین	تور و تا چه خواهد جهان‌آفرین

(همان: ۹۵)

مرد یاریگری ظاهر می‌شود و علی^ع را راهنمایی می‌کند و درباره‌ی راه خاوران با او سخن

می‌گوید:

یکی شخص پیدا شد از راه دور	ز موی سپیدش جهان پر ز نور
جز او کس به بالای آدم نبود	که بالای او شست گز کم نبود
درازی عمرش ز اندازه بیش	به سر برده عمری چو بالای خویش
به پیش علی رفت و کردش سلام	بدو گفت کای پیش‌سوی انام

من از دور موسای پیغمبرم سخن هوش فرمای، تا بسپرم
(همان: ۱۴۳)

تورو هر کجا روی داری به راه
پرسید حیدر ز راه دراز
خبرگوی تا چند راه است پیش
سراینده گفت ای خداوند هوش
که این راه دشوار دور و بد است
کمابیش فرسنگ او هفتصد است
(همان: ۱۴۴)

وقتی پیامبر از سفر علی^ع آگاه می‌شود، مالک را به یاری او می‌فرستد. هنگام مبارزه، علی^ع به تنهایی با سپاه خاوران می‌جنگد. مالک از راه می‌رسد و به کمک علی^ع می‌شتابد:

چو زین رزم یک ساعت اندر گذشت
جهانگیر مالک در آمد ز راه
پر از گرد شد روی هامون و دشت
فروداشت لشکر بدان رزمگاه
(همان: ۱۵۶)

پیامبر^ص به خواب علی^ع می‌آید و او را از حضور ابوالمحبجن در حصن پولاد آگاهی می‌دهد:

چنان دید شب حیدر نامدار
علی مر نبی را به بر درگرفت
بگفت ای علی یک سخن یادگیر
ز ابوالمحبجن آنجا بیابای خبر
بگفت این و حیدر در آمد ز خواب
که گشتی پیمبر بر او آشکار
پیمبر سخن گفتن از سر گرفت
از این چاره حصن پولادگیر
بدین رزم با خود مر او را ببر
زاننده سید رخس پر ز آب
(همان: ۱۷۹)

پیر زاهدی در مسیر علی^ع قرار می‌گیرد و راه را به او نشان می‌دهد:

بگفت این و حیدر ز دشت نبرد
بدو گفت سعد دلاور کجاست
چنین پاسخ آورد دانا بدوی
حصاری است بر دشت ویران شده
چوره یافتی سوی آن بندگاه
بد آن بندگه سعد را برده اند
سلیمان چوزان شهر شده بهره‌مند
که آن مردمش زیر فرمان نبود
بیامد به نزدیک آن پیرمرد
نشان ده مرا سوی او راه راست
که رو بندگاه سلیمان بجوی
کنام پلنگان و شیران شده
فرورفت باید به چاه سیاه
به دیوان در آن چاه بسپرده اند
به چاه اندرون آب را کرد بند
بر آیین دین سلیمان نبود
(همان: ۱۹۲)

هاتفی ظاهر می‌شود و او را به محل ابوالمحبجن راهنمایی می‌کند:

ز بـالا یـکـی هـاتـف آواز داد	چو حیدر دعایی چنان ساز داد
بر استر نشین زو عنان باز ده	که بر خیز و راه شدن ساز ده
رها کن سرش هر کجا می‌رود	تکاور بر این دشت تا می‌رود
بین تا کجا می‌رود تیزگام	میچنان عنان و مجنبان لگام
که بغزاید از نارسیدن زمان	به جایی رساند تو را زین میان

(همان: ۴۶)

هنگامی که علی^ع در چاهسار برای آوردن صندوقچه^۱ ربه شده زن شاه خاوران می‌رود، به مناجات با خدا می‌پردازد، مرد سبزپوشی ظاهر می‌شود و علی^ع را به سلامت از آب گذر می‌دهد:

بنالید کسای داور داد من	پناه من و پشت و فریاد من
به توران و انجیل و سُحف و زبور	به موسی و نور و تجلی طور
به قرآن و ایمان و دین رسول	به سبطین زهرا و زوج بتول
کز این آب دامن مرا رهنمای	به جایی رسانم که باشد به جای
چو کرد این دعا حیدر نامدار	بر آمد یکی پیر از آن رودبار
از این سبزدریا یکی سبزپوش	بر حیدر آمد به فرهنگ و هوش
بدو گفت بر جان پاکت سلام	سلامت بر این زرف دریاخرام
از این آب من بگذرانم تو را	بدان جا که خواهی رسانم تو را
بده دست خود را به دستم نخست	به دریا تو را بگذرانم درست
علی دست خود را بدان پیر داد	روان گشت بر روی دریا چو باد
از آن آب دریا چنان درگذشت	که نعلین او دژه‌ای تر نگشت

(همان: ۵۱۷)

هنگامی که علی^ع مورد آزمایش الهی قرار می‌گیرد و در مسیر، کشتی وی در اثر برخورد با طوفانی سهمگین تکه تکه می‌شود، چون از آزمایش سربلند بیرون می‌آید، خضر در مسیر علی^ع قرار می‌گیرد و او را از شهر سمنه و پادشاه آن، شهریار بن ناهیدشاه آگاه می‌کند و راه را به علی^ع نشان می‌دهد.

همان‌گاه خضر نبی شد پدید	بر آن روی دریا بدیشان رسید
گرفت آن سپرها به آب اندرون	همی برد تا شد ز دریا برون

(خوسفی، ۱۳۷۷: ۳)

در خاوران‌نامه حضرت علی^ع همان رستم است و پیامبر^ص و جبرئیل، نقش زال و سیمرغ شاهنامه را دارند؛ با این تفاوت که در شاهنامه، زال واسطه^۲ بین سیمرغ و رستم است و پس از واسطه‌گری، خود کنار می‌رود و رستم با داشتن پر، با سیمرغ در ارتباط مستقیم قرار می‌گیرد، اما پیامبر^ص ضمن ارتباط با جبرئیل، خود نیرویی خدایی دارد و در تمام داستان‌ها، همان نقش سیمرغ را دارد و در گرفتاری‌ها چون سیمرغ شاهنامه، یاریگر حضرت علی^ع و دیگر پهلوانان سپاه اسلام است. رستم با سوزاندن پر، سیمرغ را به یاری فرامی‌خواند، اما علی^ع از طریق دل و نیروی معنوی،

با پیامبر ارتباط برقرار می‌کند؛ این امر به دلیل ماهیت دینی این اثر حماسی است. در جنگ سختی که بین سپاه کفر و اسلام در می‌گیرد، پیامبر ص نگران حضرت علی ع می‌شود. در این حال، جبرئیل بر او وارد می‌شود و وی را از نگرانی می‌رهاند (خوسفی، ۱۳۸۶: ۳۵۸). زمانی که علی ع از فتح قلعه آهن‌ربای ناامید می‌شود، پیامبر ص نوشته‌ای با قلم عنبرآگین خود مزین به «اَنَا فَتَحْنَا» برای وی می‌فرستد و می‌فرماید که نامه را به تیر ببندد و آن‌گاه به جانب قلعه پرتاب کند که طلسم آن دژ با تیر گشوده می‌شود (همان: ۵۴۴). علی ع با وجود همین توانمندی‌های الهی و فوق انسانی است که هیچ‌گاه دچار شکست نمی‌شود. این مرحله از سفر در خاوران‌نامه و در مقایسه با آثار حماسی ملّی و اساطیری بسیار متنوع‌تر و گسترده‌تر است و نیروهای مختلف معنوی و الهی (پانزده نوع یاریگر) به علی ع در پشت سرگذاشتن موانع و مشکلات کمک می‌کنند؛ نظیر جبرئیل، پیامبر اسلام ص، خضر، مرد سبزپوش، هاتف، پیر زاهد، سروش و ... این امر به واسطه غلبه تفکر دینی بر جنبه حماسی اسطوره‌ای این اثر است.

۶-۱-۳. عبور از نخستین آستانه

قهرمان در سفر پرماجرایی خود، با موانعی روبه‌رو می‌شود؛ یکی از این موانع، نگهبان آستان است که در هر مرحله مانع ورود قهرمان به مرحله بعدی می‌شود:

نگهبان آستانه می‌تواند یک شخص یا یک در قفل شده یا یک حیوان یا یکی از نیروهای طبیعی مثل طوفان باشد (ویتیلا، ۱۳۹۰: ۱۸).

همچنان‌که بر سر در معابد، پیکرهایی محافظ مانند شیر، اژدها و قهرمانان دیوکش و ... دیده می‌شود و عابد از آنها گذر می‌کند، بر درگاه وجود هم نگهبانانی هستند که قهرمان باید از آنها بگذرد (کمپیل، ۱۳۹۲: ۹۸). در خاوران‌نامه، اولین مانعی که علی ع با آن روبه‌رو می‌شود، برخورد با پهلوان زنگی است که با لحنی تند خواستار اسب و باروبنه او می‌شود. بعد از جدالی لفظی، نبردی میان علی ع و پهلوان زنگی در می‌گیرد. علی ع پس از به‌بند کشیدن آن پهلوان زنگی و نشان دادن قدرت خویش به آن زنگیان، شرط‌رهایی او را اسلام آوردن و بازگویی کلمه توحید قرار می‌دهد. پهلوان زنگی که «چیپال» نام دارد و در حصن ظفر حکمرانی می‌کند، اسلام می‌آورد و علی ع از مسلمان شدن وی شادکام می‌شود؛ در نتیجه قهرمان از این مانع با موفقیت می‌گذرد:

یکی تند زنگی در آمد چوقار	چو کوهی که بر کوه گردد سوار
بر حیدر آمد به کردار مست	یکی تیغ هندی گرفته به دست
بدو گفت نامت مرا گوی زود	که سر می‌کند مرتت را درود
بگو تا کدامی و نام تو چیست	کجا می‌روی رأی و کام تو چیست

(خوسفی، ۱۳۸۶: ۸۸)

کمپیل چنین معتقد است که «قهرمان مقابل در ورود به سرزمین اعلا، با نگهبانان آستانه مواجه می‌شود؛ آن‌سو، تاریکی ناشناخته و خطر در انتظار اوست» (۱۳۸۹: ۸۵). در واقع نگهبان آستانه،

قهرمان را آزمایش می‌کند تا ظرفیت و توانایی او را برای ورود به دنیای ویژه بسنجد. در اینجا چپال زنگی، نگهبان آستانه است و در نبردی تن‌به‌تن، قدرت قهرمان را محک می‌زند و چون می‌بیند که قهرمان آماده ورود به دنیای دیگر است، او را همراهی می‌کند. در حقیقت، غلبه بر چپال و عبور از این مانع و درآمدن او و سپاهیان‌ش به دین اسلام و همراهی او با آن حضرت، ورود به مرحله بعدی سفر است (خوسفی، ۱۳۸۶: ۹۱).

عبور از نخستین آستانه، عملی ارادی است که طی آن قهرمان با تمام وجود درگیر ماجرا می‌شود (ووگلر، ۱۳۸۷: ۱۶۱).

قهرمان برای ترک دنیای عادی خود، به مسئله‌ای درونی یا بیرونی نیاز دارد. مسئله بیرونی علی‌ع برای ورود به دنیای ویژه، رفع نگرانی پیامبر^ص و یافتن ابوالمحنج و سعد وقاص و مسئله درونی او گسترش اسلام و برانداختن کفر از مناطق کفرنشین است.

۶-۱-۴. شکم نهنگ

قلمروی ناشناخته را که قهرمان بدان جا پای می‌گذارد، می‌توان در هیئت شکم نهنگ ترسیم کرد. این درون‌مایه تکرارشونده و محبوب، بر این نکته تأکید می‌کند که عبور از آستان، نوعی فنا و خویشتن است (کمپیل، ۱۳۸۹: ۹۸). قهرمان به درون سفر می‌کند تا دوباره متولد شود. این غیبت، معادل گذر عابد به درون معبد است. معبد درون، شکم نهنگ و قلمرو ملکوتی‌ای که بالا، پایین و یا آن سوی دنیای عینی قرار دارد، یکی هستند (همان: ۹۹). در خاوران‌نامه، فرارگرفتن علی^ع بر سر پنج‌راهی، معادل شکم نهنگ است؛ زیرا قهرمان پا در مسیری می‌گذارد که سرشار از بلاست. سپاهیان حضرت علی^ع پس از اتراق و آسودن در کنار بندگاه سلیمان، روز دیگر در صبحگاهان باروبنه خود را برمی‌دارند و در بیابانی وسیع، راه خود را پیش می‌گیرند. پس از هفت روز طی طریق، روز هشتم بر سر پنج‌راهی می‌رسند که در آنجا بر سنگی به زبان عبری چنین نوشته شده است: از این پنج راه، یکی راه به سلامت می‌برد که در آن سنگی سرخ نمایان است و چهار راه دیگر بلا بر بلاست. علی^ع در میان این درماندگی و ملال، در خواب پیامبر^ص را می‌بیند که می‌گوید: پنج فرمانده برگزیند و هرکدام را به راهی روانه کند و خود از راهی که سنگ سرخ بر سر آن است، راهی شود. آن حضرت چنین می‌کند و هرکدام از سرکردگان لشکر اسلام، راهی را برمی‌گزینند و بدین ترتیب از یکدیگر جدا می‌شوند:

سه روز دگر چون بیهم بود راه	به پیش اندر آمد سر پنج‌راه
چو حیدر به راه اندرون بگریید	به ره برنهاده یکی سنگ دید
از اندیشه راه دلتنگ شد	غمی گشت و نزدیک آن سنگ شد
به عبوری نبشته بر آن سنگ بر	که ای هر که یابد بدین ره گذر
از این پنج راه چهار راه بلاست	یکی راه دیگر بود راه راست

(خوسفی، ۱۳۸۶: ۲۰۱)

در واقع، هریک از قهرمانان چون طالب پختگی و رسیدن به کمال هستند، با احترام به سخن پیامبر، قدم در راه می‌گذارند. علی‌ع در مسیر سنگ سرخ به حرکت ادامه می‌دهد.

۲-۶. مرحله دوم (آیین تشریف)

۱-۲-۶. جاده آزمون‌ها

در این مرحله، قهرمان به چشم‌انداز رؤیایی اشکال مبهم و سیال قدم می‌گذارد؛ جایی که باید سلسله‌ای از آزمون‌ها را پشت سر بگذارد (کمپبل، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

قهرمان هر حماسه‌ای برای رسیدن به مقصود خویش، راه‌های سختی را طی می‌کند. او در طی سفر خویش با وحشتناک‌ترین مسیرها و شگفت‌ترین موجودات و خطرناک‌ترین دشمنان مواجه می‌شود؛ اما با شجاعت تمام می‌تواند تمام گذرگاه‌های سخت را پشت سر گذارد و به هدف خویش برسد. داستان‌گویان از این مرحله برای قراردادن قهرمان در بوتۀ آزمایش و چالش استفاده می‌کنند تا ضمن شناساندن توانایی‌های قهرمان به مخاطب، برای قهرمان نیز آمادگی بیشتری در روند مواجهه با مشکلات پیش‌رو حاصل شود (فولادی و رحمانی، ۱۳۹۷: ۹۵). در خاوران‌نامه، حضرت علی‌ع برای نجات انسان‌ها از نیروهای پلید، سفری طولانی آغاز می‌کند. در این سفر با دیوان، اژدها و جادوگران به جنگ می‌پردازد و سرانجام بر تمام بدی‌ها فایق می‌آید و انسان را از شر آنها می‌رهاند. خوان‌ها، نماد موانع و مشکلاتی است که هر قهرمان برای به کمال رسیدن خود و احراز برتری و شایستگی خویش پشت سر می‌گذارد. می‌توان چنین گفت که علی‌ع در خاوران‌نامه خوان‌های بی‌شماری را پشت سر می‌نهد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: کشتن شیر (خوسفی، ۱۳۸۶: ۱۲۳)، کشتن دیوی ماربه‌دست (همان: ۱۸۸)، کشتن اژدهایی هفت‌سر (همان: ۱۹۰). در تحلیل این مرحله از دیدگاه کهن‌الگوی یونگ، می‌توان چنین گفت که در واقع این ستیز قهرمان و سایه (اژدهای درون) است برای رسیدن از ناخودآگاه به خودآگاه؛ و این نبرد به اشکال گوناگون ستیز قهرمان کهن‌الگویی و نیروهای منفی و شرّ که در قالب اژدها و سایر پلیدی‌ها نمودار می‌شوند، صورت می‌گیرد. علی‌ع با آگاهی و معرفت و استمداد از خداوند بر اژدهای اهریمنی پیروز می‌شود و می‌تواند اژدها را که مانع بزرگ و واسطه‌ای سهمیگن میان خودآگاه و ناخودآگاه است، از میان بردارد؛ هلاک کردن دیو و اژدها و نجات‌دادن سعد از چاه خاوران (همان: ۱۹۴)، گذشتن بر دشت گرم و سوزان و کشتن مهتر پیل‌گوشان (همان: ۲۳۳)، کشتن رعد جادوگر در شکل اژدها و نجات‌دادن ابوالمحقن (همان: ۴۶۳)، بیرون‌آمدن حضرت علی‌ع و دل‌دل از چاه مکر جمشیدشاه (همان: ۵۰۴)، جنگ با دیوان در چاه و گشودن عمیاق دیو از بند و آوردن صندوق زر (همان: ۵۲۰)، ویران کردن حصن آهن‌ربای (جایگاه دیو عفریت) با تیر معجز‌نمای و کشتن جادوی بابلی در صندوق (همان: ۵۴۶)، کشتن اژدها و آوردن صندوق یادگار حضرت سلیمان‌ع برای پیامبر ص (خوسفی، ۱۳۷۷: ۴۲-۱)، کشتن پری در کوه بلور (همان: ۲۵-۲۸)، هلاک‌کردن زن جادوگر و رهانیدن مالک از بند زن

جادوگر (همان: ۲۳۱-۲۲۶)، گشادن طلسمات دال و آگاهی یافتن بر شهر زرین (همان: ۲۵۳-۲۳۳) و کشتن اژدهای بزرگ با هفتاد ضربه ذوالفقار و آزادکردن میر زنه‌ارخوار (همان: ۳۸).

رفتن به کام نهنگ، خواننده را به یاد داستان حضرت یونس می‌اندازد. این مرحله، اشاره‌ای نمادین به حضور قهرمان در یکی از سخت‌ترین و مخوف‌ترین مراحل جاده‌آزمون‌هاست؛ مرحله‌ای با وجود خطرات بسیار تاریک و سیاه که قهرمان ناگزیر است با آن روبه‌رو شود و بر آن غلبه کند. در خاوران‌نامه با وجود خوان‌های سختی که قهرمان پشت سر گذاشته است، می‌تواند یک صحنه و اتفاق را مهیب‌تر و هولناک‌تر از بقیه تصور کرد؛ و آن وقتی است که تهماس شاه قدرت بازوی علی‌ع را می‌بیند و چاره‌ای جز فرار به درون دژ نمی‌بیند. علی‌ع و یارانش در پای حصارند و راهی بدان‌جا ندارند؛ تا اینکه حضرت در لباس یک بازرگان و به بهانه شکایت از زیادی خراج، خود را به پیش تهماس می‌رساند. در آن هنگام تهماس حیدر را نمی‌شناسد (خوسفی، ۱۳۷۷: ۲۱۲-۲۱۰). این صحنه را می‌توان کام نهنگ دانست؛ زیرا علی‌ع با پای خود وارد قلعه دشمن می‌شود و بدون هیچ ترسی بعد از حضور در نزد تهماس شاه، خود را معرفی می‌کند. اگرچه علی‌ع خوان‌های بسیاری را پشت سر گذاشته، ولی از آن روی که علی‌ع در این صحنه به اراده خود به پیشباز خطر و دشمن می‌رود، می‌توان این مرحله را کام نهنگ دانست. تفاوت این صحنه با خوان‌های پیشین آن است که لحظات به‌طور ناگهانی رخ می‌دهد و قهرمان به‌ناچار باید آن لحظات را تحمل کند؛ اما نقشه تغییر شکل، امری ارادی است و قهرمان به خواست خود وارد این مرحله می‌شود. کام نهنگ، اشاره‌ای نمادین به حضور قهرمان در یکی از ترسناک‌ترین مراحل جاده‌آزمون‌هاست؛ مرحله‌ای که علاوه بر وجود خطر، مهیب، سیاه و تاریک است (کمپبل، ۱۳۸۹: ۷۴-۹۹).

۶-۲-۲. زن در نقشه وسوسه‌گر

یکی از موجودات اهریمنی که در سر راه قهرمان قرار می‌گیرد و در صدد فریفتن اوست، زن جادوی پری‌پیکر است. زنان جادو اغلب به‌صورت دوشیزه‌ای ماه‌پیکر تغییر شکل می‌دهند و با قرارگرفتن بر سر راه قهرمان، قصد فریفتن او را دارند (سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۱). نظر کمپبل درباره این مرحله این است که زن وسوسه‌گر انعکاس نفس قهرمان است؛ بنابراین، هرکس باید جایگاه خود را بیابد و دیوهایش را بشناسد. زن به‌عنوان سمبل لذت‌های زندگی در چشم انسان‌های پرهیزگار و الهی، رنگ باخته است. پس از وسوسه‌های نفس‌گذر می‌کند و در فضای اثیری پاک به پرواز درمی‌آید (کمپبل، ۱۳۸۹: ۱۲۸-۱۲۹).

در خاوران‌نامه پری‌زاده‌ای راه بر علی‌ع می‌بندد و به‌جهت پافشاری در این کار، حضرت دست و بازویش را با تیغ می‌برد و آن‌گاه سپاهیان انبوهی از دیو و جادو و اژدها با آن حضرت به نبرد می‌پردازند. از انبوه سپاهیان دیو، هوا همچون دریای زنگ، تاریک و دل‌گیر می‌شود. سرانجام حضرت به اشاره هانتف «آیت ستر» بر خود می‌خواند و آن سیاهی و آشوب به خاموشی می‌گراید و

تیرگی‌ها به روشنائی بدل می‌شود و آن حضرت همچنان بر سپاه دیو و پری تیغ می‌راند؛ به‌گونه‌ای که بر دامن کوه، خون روان می‌شود. این پری با توصیفات کمپبل مطابقت دارد. زنی زیبا که درصدد فریفتن قهرمان است؛ ولی قهرمان به کمک یزدان بر این زن فایق می‌آید و چهره واقعی او را می‌بیند و از دام می‌رهد:

بدان چشمه اندر یکی ماه روی	نشسته برهنه همی شست موی
رخ اندر خم پرچم مشک نواب	نهان کرده چون زیر شب آفتاب
گرفته به دود سیه شمع نور	ز عنبر بر آتش فکنده بخور
زمشکین رقم بر بلور سپید	چو بر برگ گل طرّه مشک بید
طرازان ز رخ طرّه عنبری	چو بر ارغوان نیل نیلوفری
فروشته سنبل ز سر تا به پای	ز عنبر بر اندام گل مشک‌سای
پری‌زاد بر دامن چشمه‌سار	نبود آگه از حیدر نام‌دار
تورا چون رسد بر لب چشمه پای	نگه دار خود را به نام خدای
چو حیدر بیامد بدان جایگاه	بگفت ای پری‌زاده بگشای راه
چو راه گذر نیست جز ای‌درم	تو زایندر پرداز تا بگذرم
بدو گفت دختر برو باز جای	اگر پای داری بیدینجا مپای
بر این کوه رفتن نشاید تورا	کنون بازگشتن به آید تورا

(خوسفی، ۱۳۷۷: ۲۷)

زن اغواگر همیشه تمثیلی از لذات مادی و شهوانی بوده است که مانع بزرگی در رسیدن به تعالی به شمار می‌آید. قهرمان به مرحله‌ای می‌رسد که با اغوای زن و یا حتی زنان مواجه می‌شود که با دل‌ربایی ممکن است قهرمان را از ادامه مسیر و هدف نهایی خود بازدارند. در اکثر حماسه‌ها، قهرمان با این مرحله آشناست و با آن روبه‌رو می‌شود. این زن زیبا در ابتدا بسیار دل‌فریب است؛ اما زمانی که روح قهرمان تعالی می‌یابد، جذابیتش برای او از بین می‌رود و چهره زشت و پلشتش نمایان می‌شود. مواجهه با زن در نقش وسوسه‌گر در سفر قهرمان عرفانی هم اتفاق می‌افتد. شیخ صنعان در روم با دختر مسیحی روبه‌رو می‌شود که همان نقش زن وسوسه‌گر سفر قهرمان کمپبل را دارد (عطار، ۱۳۹۲: ب ۱۵۹۳-۱۱۸۵).

۶-۲-۳. برکت نهایی

بر اساس نظر کمپبل، رنج و سختی عبورکردن از محدودیت‌ها و مشکلات، در جهت رشد معنوی است. هنر، ادبیات و اسطوره، همه اسبابی هستند که به انسان کمک می‌کنند از محدودیت‌ها عبور کرده، به سوی افلاک یا بالاتر سیر کنند. برکت نهایی، یافتن خودآگاهی و در پس آن خداشناسی است (کمپبل، ۱۳۸۹: ۱۹۹). برکت نهایی می‌تواند دستیابی به گنج، اکسیر حیات یا هر هدف ارزشمند دیگری باشد که قهرمان به خاطر آن به سفر می‌رود (ذبیحی و پیکانی، ۱۳۹۵: ۱۰۷). در

خاوران نامه، علی‌ع‌پس از تسخیر شهرهای دیار کفر و اسلام آوردن مردم آن دیار، به سامان دادن امور حکومتی آن سرزمین‌ها می‌پردازد و حاکمان آنها را مشخص و توصیه‌های لازم را ارائه می‌کند:

بدوگفت چون مرز ساحل زمین	تورا بود از این پیش زیر ننگین
از این مرز نیمی سپارم تورا	همه گنج‌ها بر شمارم تورا
دگر نیمه گلنار را در خور است	که تهماسب را دوده و خواهر است
ببندید با هم به شاهی کمر	مجوید هر یک ز دیگر گذر
همان کشور قام و آباد او	تو دانی همه داد و بی‌داد او
به دین و به دانش دل آباد کن	جهان را سراسر پر از داد کن
به هر شهر محراب و منبر بساز	که اندر دو گیتی شوی سرفراز
چنان کن به آزادگی بندی	که فردا نباشد سرافکنندگی
شمامه پذیرفت و کرد آفرین	شد آراسته کار دنیا و دین [...]

(خوسفی، ۱۳۷۷: ۵۴۴)

سپس غنایم را میان سپاهیان و سرکرده‌های لشکری و کشوری تقسیم و قسمتی را بار شتران می‌کند و به جانب مدینه‌التبی رهسپار می‌شود:

بزرگان لشکر به هنجار خویش	ره بازگشتن گرفتند پیش
ز شهر مرصع شترده قطار	ز بار گران مایه کردند بار
هم از شهر زر صد شتروار زر	بسی تاج زرین و زرین کمر
بزرگان علم‌ها برافراشتند	به شادی همه راه بگذاشتند [...]
سپهدار حیدر سپه برگرفت	به سوی مدینه ره اندر گرفت

(همان: ۵۴۶-۵۴۷)

در واقع برکت سفر علی‌ع علاوه بر پاداش مادی، در برگیرنده پاداش معنوی و افری بود. وی توانست با سفر به سرزمین‌های ناشناخته، انسان‌هایی را که از نعمت هدایت بی‌بهره بودند و قلب آنان آماده پذیرش حق بود، به راه راست رهنمون سازد و بهترین دستاورد و پاداش را با خود به ارمغان آورد. برکتی که نه تنها در یک عصر و زمان مشخص، بلکه در طی تاریخ می‌تواند مثمر ثمر باشد.

۳-۶. مرحله سوم

۱-۳-۶. آزاد و رها در زندگی

هدف اسطوره این است که بین خودآگاه فردی و خواسته‌های آسمانی، همراهی برقرار کند و با این کار، دوگانگی و انکار را از بین ببرد؛ این کار اتفاق نمی‌افتد، مگر با درک این نکته که باور کنیم بین پدیده‌های زودگذر زندگی دنیایی با زندگی جاویدان که در همه ما وجود دارد، رابطه حقیقی برقرار است (کمپبل، ۱۳۸۹: ۲۴۵). اگر در دنیای عمل، انسان نگران نتیجه اعمالش باشد، مرکزیتش را در

اصل جاودانگی از دست می‌دهد؛ ولی اگر نتیجه و ثمره اعمالش را در دامان خداوند توانا بگذارد، درست مثل این است که قربانی‌ای به درگاه برده باشد. در این صورت، از اسارت دریای مرگ رهایی می‌یابد. قهرمان پس از طی مراحل سفر، تبدیل به نماد جاودانگی می‌شود. برای او مرگ هم حیات است. او اکنون آزاد و رها شده است و امیدوار است بعد از مرگش همچنان ارزش‌های متعالی جاوید بمانند (همان: ۲۴۵).

خاوران‌نامه چون حماسه‌ای دینی است، دو سپاه با اعتقادی متضاد در مقابل هم قرار می‌گیرند. ستیز بین نیروهای خیر و شر، فقط جنبه اعتقادی دارد. سپاه اسلام نماد واقعی خیر، مؤمن به پروردگار و روز جزاست و اهل نیکی‌کردن در دنیا و پیرو دستورهای اسلامی است؛ اما سپاه کفر، نماد واقعی نیروهای شر، فریفته ثروت و مقام و قدرت خویش‌اند و در تنگناها، هیچ‌گاه از پروردگار یاری نمی‌طلبند. پیامبر از یثرب به حضرت علی^ع پیغام می‌فرستد و این هدفِ والا را یادآور می‌شود:

از این رزم کردن نباید غنود که خاورزمین را بخواهی گشود
ولیکن هر آن‌گه که جمشید شاه مسلمان شود بازگردان سپاه
(خوسفی، ۱۳۸۶: ۳۰۳)

مرحله آزاد و رها، مرحله دستاوردهای قهرمان پس از توفیق نهایی در اهداف سفر است. قهرمان در ازای جان‌فشانی و استقامت در عبور از موانع، پاداش عمل خود را می‌گیرد. پس از نبردهای فراوان و پیروزی بر نیروهای شیر و کفار و فتح سرزمین خاور، جمشیدشاه که هدف‌نهایی سفر قهرمان، هدایت او به اسلام است، مسلمان می‌شود و علی^ع از این اتفاق شادمان است. او اکنون به هدف نهایی سفر رسیده، گویی پاداش تلاش خویش را دریافت کرده و به آرامش و کمال رسیده است و با خرسندی، آماده بازگشت به مدینه می‌شود:

گواهی ده‌م پیش این انجمن گواهی بده بر گواهی من
که بی‌زارم از کفر و از کافری پذیرفتم آیین پیغمبری
خداوند عالم خدای من است محمد بدورهنمای من است
فرستادگان‌ش همه راستند که از ما همه راستی خواستند
علی گفت با من برادر شدی به شاهی سرافراز و افسر شدی
بسی خواند بر شهریار آفرین بدو داد مششور خاورزمین
چنین گفت پس حیدر نامدار که بر بازگشتن بسازید کار
(خوسفی، ۱۳۷۷: ۵۴۳)

علی^ع چون توانست پیغام رسول خدا را عملی کند و سپاه کفر را براندازد، با روحی متعالی و سرشار از ایمان به جانب پیامبر^ص رهسپار می‌شود:

پیمبر بدین مژده دلشاد گشت همی گفت غم‌ها همه باد گشت
برون آمد از شهر با دوستان رخس تازه همچون گل بوستان

حسین و حسن هر دو با یکدیگر خرامان به امیر روی پندر
(همان: ۵۵۰)

۷. تفاوت‌های مراحل سفر قهرمان در حماسه دینی خاوران‌نامه با الگوی سفر قهرمان کمپیل الگوی سفر قهرمان کمپیل در کلیت خود با مراحل سفر قهرمان خاوران‌نامه تطبیق دارد؛ اما با توجه به ماهیت دینی این اثر حماسی، برخی از مراحل در آن وجود ندارد یا با تغییراتی در این اثر نمود یافته است. به نظر می‌رسد این تفاوت‌ها، با توجه به ماهیت اکثریت حماسه‌های دینی، بر آنها قابل تطبیق باشد.

نخستین تفاوت قابل توجه، شخصیت علی^ع به‌عنوان قهرمان حماسه دینی خاوران‌نامه است. قهرمان الگوی پیشنهادی کمپیل، انسانی است که در طی سفر با پشت سر گذاشتن مشکلات سفر و پیروزی بر دشمنان به کمال می‌رسد. طبق الگوی سفر قهرمان کمپیل، هدف قهرمان از سفر، آگاهی یافتن از ضعف‌ها و توانایی‌های خویش است. او باید آزمایش‌های اولیه را پشت سر بگذارد و وارد مرحله پختگی شود. قهرمان حماسه‌های غیر دینی و داستان‌های اسطوره‌ای، باید بر محدودیت‌های شخصی و بومی خویش غلبه کند. وظیفه صلی او بازگشت مجدد به جامعه است با هیتی جدید برای اصلاح و هدایت آن به سوی کمال (کمپیل، ۱۳۸۹: ۳۰-۳۱)؛ اما علی^ع انسانی کمال‌یافته و برخوردار از عصمت الهی است که به‌واسطه شخصیت الهی، از کرامت و هدایت خداوند و پیامبر^ص در سفر برخوردار است و این سفر، نقشی در کمال‌یافتن او ندارد، بلکه او به وظیفه الهی خویش عمل می‌کند. از طرفی هدف قهرمان حماسه‌های غیر دینی، نابودی دشمنان برای اثبات خویش است؛ اما قهرمان حماسه دینی، هدفش هدایت انسان‌های شریر به راه راست و ایمان به خداوند است. علی^ع در اولین برخورد با پهلوانان و پادشاهان سرزمین خاور، از آنها می‌خواهد مسلمان شوند و طبق آیین اسلام در سرزمین خود به حکومت ادامه دهند. تعدادی از پادشاهان سرزمین خاور مسلمان می‌شوند و علی^ع هنگام بازگشت پس از توصیه‌های لازم، حکومت سرزمینشان را به خود آنها واگذار می‌کند (خوسفی، ۱۳۷۷: ۵۴۳-۵۴۴). طبق الگوی کمپیل در مرحله عزیمت، ندای فراخوان از طریق منادی اتفاق می‌افتد؛ اما در خاوران‌نامه به دلیل شخصیت دینی و کمال‌یافته علی^ع، این وجدان بیدار و بهره‌مند از کمال معنوی است که قهرمان داستان را به حرکت وامی‌دارد. طبق الگوی کمپیل، بعد از مرحله فراخوان دعوت، امتناع از پذیرش دعوت اتفاق می‌افتد. کمپیل معتقد است قهرمان قادر به جداسدن از فضای احساسی و ایده‌آل نیست؛ گوش‌ها را می‌بندد و حواس را متوجه چیز دیگری می‌کند (کمپیل، ۱۳۸۹: ۶۷). در این مرحله قهرمان به دلیل ترس‌ها و دلواپسی‌هایی که به‌واسطه دعوت به ماجرا در وجودش شکل می‌گیرد، از پذیرش سفر سر باز می‌زند (ویتلا، ۱۳۹۰: ۱۱). تفاوت قهرمان حماسه دینی با قهرمان حماسه‌های غیر دینی و داستان‌های اساطیری باعث شده است به دلیل شخصیت معنوی و هدف الهی قهرمان خاوران‌نامه، ترس و تزلزلی در اراده او به وجود نیاید و این مرحله در این اثر حماسی اتفاق نیفتد.

مطابق الگوی پیشنهادی کمپیل، مرحله سوم از سفر قهرمان، شامل مراحل فرعی از جمله فرار جادویی است. کمپیل معتقد است اگر قهرمان دعای خیر خدا بانو یا خدا را پشت سر داشته باشد، مأمور است با اکسیری برای احیای جامعه‌اش به جهان بازگردد. در این حال، تمام نیروهای مافوق طبیعت حافظ او هستند. اگر قهرمان برخلاف میل نگهبان، گنج غنیمی را به دست آورد و دیوها راضی به بازگشت قهرمان نباشند، آن‌گاه آخرین مرحله سفر به تعقیب و گریز تبدیل می‌شود (کمپیل، ۱۳۸۹: ۲۰۶). در خاوران‌نامه با توجه به شخصیت معنوی و شجاعت خدادادی علی^ع و پیروزی مقتدرانه ایمان بر کفر و مسلمان‌شدن پادشاهان خاورزمین، بنا به ماهیت دینی این اثر، تعقیب و گریز اتفاق نمی‌افتد، بلکه آن حضرت پیروزمندان و مقتدرانه به نزد پیامبر در مدینه بازمی‌گردد (← خوسفی، ۱۳۷۷: ۵۵۰).

یکی از مراحل فرعی مرحله سوم (بازگشت)، امتناع قهرمان از بازگشت و عدم تعجیل بر بازگشت پس از موفقیت و رسیدن به اهداف سفر برای بهره‌بردن از لذات سرزمین فتح شده است. کمپیل معتقد است تعداد زیادی از قهرمانان برای همیشه در سرزمین پربرکت خدای بانوی جوان نامیرا ساکن می‌شوند (کمپیل، ۱۳۸۹: ۲۰۳). این مرحله نیز به دلیل ماهیت دینی خاوران‌نامه و هدف والا و الهی علی^ع، اتفاق نمی‌افتد و آن حضرت بلافاصله پس از رسیدن به اهداف سفر و مسلمان‌شدن پادشاهان خاورزمین، به مدینه رهسپار می‌شود.

۸. نتیجه

قهرمان هر حماسه‌ای برای رسیدن به مقصود خویش، راه‌های سختی را طی می‌کند. در طی سفر خویش با وحشتناک‌ترین مسیرها و شگفت‌ترین موجودات و خطرناک‌ترین دشمنان مواجه می‌شود؛ اما با شجاعت تمام می‌تواند تمام گذرگاه‌های سخت را پشت سر گذارد و به هدف خویش نایل شود. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد الگوی جوزف کمپیل برای تحلیل کهن‌الگوی سفر قهرمان که به عنوان الگوی جهانی و معتبر در تحلیل داستان‌های حماسی کهن شناخته می‌شود، بر سفرهای علی^ع در خاوران‌نامه منطبق است. در خاوران‌نامه حضرت علی^ع برای نجات انسان‌ها از نیروهای پلید، سفری طولانی آغاز می‌کند. در این سفر با دیوان اژدها و جادوگران به جنگ می‌پردازد و سرانجام بر تمام بدی‌ها فائق می‌آید و انسان را از شر آنها می‌رهاند. علی^ع با ندای درونی خود برای رفع نگرانی پیامبر^ص پا در مسیر پرخطر می‌گذارد و به کمک یاریگران می‌تواند چهارده خوان را به خوبی پشت سر بگذارد. خوان‌ها نماد موانع و مشکلاتی است که هر قهرمان برای به‌کمال‌رسیدن خود و احراز برتری و شایستگی خویش پشت سر می‌گذارد و بعد از یگانگی و کسب خداگونگی، پیروز و سرافراز به مدینه بازمی‌گردد و تحفه سلیمان را برای پیامبر به ارمغان می‌آورد. از مراحل سفر قهرمان کمپیل، مراحل ندای فراخوان (ندای درونی علی^ع)، کمک از ماورا (در خاوران‌نامه این نیروهای ماورایی در پانزده‌دسته جای گرفته‌اند)، عبور از نخستین آستان (اولین نبرد علی^ع طی سفر

خود با چپپال زنگی)، شکم نهنگ (قرارگرفتن علی^ع در پنج‌راهی)، جاده^۱ آزمون‌ها (خوان‌ها و نبردهای متعدّد علی^ع که در ذیل پانزده مورد ذکر شد)، زن در نقش وسوسه‌گر (مواجهه^۲ علی^ع با پری در کوه بلور)، برکت نهایی (کسب ثروت فراوان و توزیع آن میان سپاه اسلام، به دست آوردن تحفه^۳ سلیمان که پیامبر از علی^ع خواسته بود، و مسلمان شدن مناطق کفرنشین) و آزاد و رها (شادی علی^ع از اعمال خود) در خاوران‌نامه آمده است و نشان می‌دهد توالی مراحل و کلیت مراحل سفر قهرمان در خاوران‌نامه با الگوی پیشنهادی سفر قهرمان کمپبل مطابقت دارد؛ اما با توجه به ماهیت دینی این اثر حماسی، بعضی از مراحل مثل امتناع از پذیرش دعوت و فرار جادویی، در سفر قهرمان خاوران‌نامه دیده نمی‌شود. همچنین به دلیل اینکه خاوران‌نامه حماسه^۴ دینی است و علی^ع شخصیتی الهی و برخوردار از کمالات معنوی است، عملکرد او طی سفر، با قهرمانان آثار حماسی غیر دینی و داستان‌های اساطیری متفاوت است. علی^ع به قصد گسترش دین اسلام پا در این سفر می‌گذارد و از کشتن پادشاهان و قهرمانان خاورزمین که مسلمان می‌شوند، خودداری می‌کند. همچنین به دلیل برخوردار بودن از عصمت الهی، در مراحل سفر فریب زنان وسوسه‌گر و جادوگران را نمی‌خورد و از ابتدا بر مکر آنها آگاه است.

منابع

- بیگ‌زاده، خلیل و همکاران (۱۳۹۸)، «بررسی شخصیت علی^ع در خاوران‌نامه بر اساس نظریه^۵ فلیپ‌هامون»، فصلنامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان فارسی (دهخدا)، دوره ۱۱، ش ۴۱، پاییز، ۶۹-۹۱.
- بهمدی، زهرا (۱۳۹۱)، «پیوند حماسه و دین در خاوران‌نامه^۶ ابن حسام خوسفی»، پایان‌نامه^۷ کارشناسی ارشد، دانشگاه زابل.
- پاشایی مهترلو، محمد و همکاران (۱۴۰۰)، «تحلیل کهن‌الگوی سفر قهرمان در منظومه گل و نوروز بر اساس نظریه جوزف کمپبل»، مجله علمی تفسیر متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، سال ۱۳، ش ۴۹، زمستان، ۱۵۵-۱۸۱.
- پیرعین‌الدین، ستار و همکاران (۱۳۹۸)، «بن‌مایه‌های حماسی در خاوران‌نامه^۸»، زبان و ادب فارسی، سال ۷۲، بهار و تابستان، ش ۲۳۹، ۱-۳۲.
- حق‌شناس، شهربانو (۱۳۹۰)، داستان داستان‌ها (تأملی بر خاوران‌نامه^۹ ابن حسام خوسفی)، شیراز، نوید.
- خوسفی، محمد بن حسام (۱۳۸۶)، خاوران‌نامه، نیمه اول، چاپ حیدرعلی خوش‌کنار، اردبیل، مهد تمدن.
- _____ (۱۳۷۷)، خاوران‌نامه، نیمه دوم، چاپ حمیدالله مرادی، پایان‌نامه^{۱۰} کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ذبیحی، رحمان و پروین پیکانی (۱۳۹۵)، «تحلیل کهن‌الگوی سفر قهرمان در داراب‌نامه^{۱۱} طرطوسی بر اساس الگوی جوزف کمپبل»، ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، سال ۱۲، ش ۴۵، زمستان، ۹۱-۱۱۸.
- سرکاراتی، بهمن (۱۳۸۵)، سایه‌های شکارشده، تهران، قطره.
- شوالیه، ژان (۱۳۸۲)، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، ج ۳، تهران، جیحون.
- صدر، سید محمدصادق (۱۳۸۷)، امیرالمومنین در عهد پیامبر^ص، ترجمه سیدجمال موسوی، تهران، بنیاد شهید انقلاب اسلامی.

- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۷)، حماسه‌سرایی در ایران (از قدیمی‌ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردم هجری)، ج ۴، تهران، فردوس.
- عطار (۱۳۷۲)، منطق‌الطیر، چاپ صادق‌گوهرین، تهران، علمی و فرهنگی.
- فولادی، محمّد و مریم رحمانی (۱۳۹۷)، «بررسی و نقد داستان بیژن و منیژه بر اساس الگوی سفر قهرمان کمپبل»، علوم ادبی، سال ۸، ش ۱۳، بهار و تابستان، ۸۷-۱۰۷.
- قنبری، زهرا (۱۳۸۶)، «بررسی بلاغی و زبانی علی‌نامه با خاوران‌نامه ابن حسام، حمله حیدری ابن باذل و حمله حیدری راجی کرمانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یاسوج.
- کمپبل، جوزف (۱۳۹۲)، قدرت اسطوره، ترجمه عبّاس مخبر، چاپ ششم، تهران، مرکز.
- _____ (۱۳۸۹)، قهرمان هزارچهره، ترجمه شادی خسروپناه، مشهد، گل آفتاب.
- نامورمطلق، بهمن (۱۳۹۲)، درآمدی بر اسطوره‌شناسی، تهران، سخن.
- مجوّزی، محمّد و افسانه نوری (۱۳۹۶)، «ریخت‌شناسی خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی با تکیه بر نظریه پراب»، متن‌پژوهی ادبی، سال ۲۱، ش ۷۲، تابستان ۱۳۹۶، ۱۸۲-۱۴۳.
- ویتایلا، استوارت (۱۳۹۰)، اسطوره و سینما، ترجمه محمّد گذرآبادی، تهران، هرمس.
- ووگلر، کریستوفر (۱۳۸۷)، سفر نویسنده، ترجمه محمّد گذرآبادی، تهران، مینوی خرد.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۶)، انسان و سمبل‌هایش، ترجمه محمود سلطانیه، ج ۶، تهران، جامی.